

Criminal policy is a coherent and continuous set of legislative, judicial and executive strategies that, by using the tools of punishment and guaranteeing legal enforcement in the field of formal and substantive law, observing the principles of fair trial, seeks to fight criminals and respond appropriately to all kinds of crimes. is. Substantive criminal policy is reflected in the legal texts and the crimes and punishments prescribed by law and is used in connection with foreign exchange crimes against security. The procedure established in the legislative criminal policy of our country is a strict attitude with the application of harsh punishments, and the idea of punishment is the dominant thinking in the field of punishment of security currency criminals. Ambiguities in the text of the law, incoherence and integrity, lack of up-to-date laws, increasing crime rates are among the criticisms of our country's penal policy regarding foreign exchange crimes against security. Studies have shown that removing ambiguity and amending laws is inevitable in order to achieve a desirable and strategic legislative criminal policy. Thus, in this study, with regard to the specific characteristics of foreign exchange crimes and criminals against security, while explaining the shortcomings of criminal policy, the need to reform the policy in the face of such crimes and criminals and to provide solutions in this regard.

Keywords: criminal policy, severe punishments, foreign exchange crimes, security, jurisprudence and religion

تاملی بر آسیب شناسی سیاست کیفری تقنینی ماهوی پیرامون جرایم ارزی علیه امنیت

جلال الدین قیاسی^۱

محمد خلیل صالحی^۲

سعید شیخ^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

چکیده

سیاست کیفری مجموعه ای پویا از راهکارهای تقنینی، قضایی و اجرایی به حساب می‌آید که با به کارگیری ابزار کیفر و ضمانت اجراها با رعایت اصول دادرسی عادلانه، درصدد مبارزه با بزه‌کاران و واکنش متناسب پیرامون انواع جرایم می‌باشد. سیاست کیفری ماهوی در نصوص قانونی و جرایم و مجازاتهای مقرر شده در قانون متجلی شده و در ارتباط با جرایم ارزی علیه امنیت استعمال میگردد. رویه مقرر در سیاست کیفری تقنینی کشورمان، محکوم سخت گیرانه همراه با اعمال مجازاتهای خشن بوده و اندیشه سزادهی، تفکر غالب در زمینه کیفر مجرمان ارزی امنیتی می‌باشد. ابهامات موجود در متن قانون، عدم انسجام و یکپارچگی، به روز نبودن قوانین، افزایش آمار ارتکاب جرایم در زمره انتقادات وارد بر سیاست کیفری کشورمان پیرامون جرایم ارزی علیه امنیت می‌باشد. بررسیهای صورت گرفته بیانگر آن است که رفع ابهام و اصلاح قوانین امری اجتناب ناپذیر در راستای تحقق سیاست کیفری تقنینی مطلوب و راهبردی محسوب میشود. بدین سان در این تحقیق کوشش شده تا با عنایت به ویژگیهای خاص جرایم و مجرمان ارزی علیه امنیت، ضمن توضیح کاستیهای سیاست کیفری، لزوم اصلاح سیاست مذکور در مواجهه با این قبیل جرایم و مجرمان بیان گردیده و در این زمینه راهکارهایی ارائه گردد.

کلید واژه: سیاست کیفری، کیفرهای شدید، جرایم ارزی، امنیت، فقه و مذهب

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه قم^۱

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه قم^۲

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)^۳

سیاست کیفری به عنوان مجموعه مجازاتها و تدابیر قانون گذار در مواجهه با جرایم، نقش حایز اهمیتی را در مقابله با جرایم ارزی ایفا مینماید. این در حالی است که ارزیابی سیاست کیفری کشورمان بیانگر نارسایی هایی است که در حوزه های تقنین، قضایی و اجرایی جلوه می نماید. ابهامات موجود در متون قانونی، کاربرد واژگان مبهم و نارسا، فقدان قطعیت در اجرای مجازات ها، عدم رعایت اصول بنیادین حقوق جزا و حقوق کیفری، روزآمد نبودن قوانین داخلی یا به عبارتی کهنگی قوانین و ضمانت اجراهای مقرر شده، عدم تطبیق نظام کیفری در این بحث با دیگر ارکان و عناصر محاربه و سایر جرایم حدی، مناسبات درهم تنیده حاکم بر بازار و نظام اقتصادی و بالتبع پیچیدگی جرایم این حوزه و از جمله اهم معضلات موجود در زمینه رویکرد قوانین داخلی نسبت به جرایم ارزی علیه امنیت میباشد. این امر از یک سو، پیوستگی و تعامل کلیت نظام کیفری را مخدوش نموده و از انسجام نظام حقوقی داخلی در تطبیق با اصول حقوقی و موازین فقهی به عنوان بن مایه های سیاست کیفری داخلی میکاهد، از سوی دیگر، وجهه نظام حکومتی و حقوقی را در عرصه بین المللی مخدوش نموده و این فرصت را به بهانه های برای افزایش انتقادات جهانی نسبت به نظام تقنینی و قضایی داخلی بدل می سازد.

همچنین ابهامات موجود در زمینه ضمانت اجراهای مقرر شده پیرامون جرایم ارزی علیه امنیت که بعضاً منبعت از عدم تطابق ضمانت اجراهای مذکور با سایر ارکان و عناصر نظام حقوقی نشات گرفته از مبانی فقهی و مذهبی میباشد، بیش از پیش بر ابهامات و تعارضات موجود در این زمینه افزوده و انسجام نظام کیفری داخلی را مختل می سازد.

جرایم ارزی علیه امنیت در مجموعه قوانین کشورهای مختلف نیز مورد توجه قرار گرفته است. قوانین کشورهای مترقی در زمینه مبارزه با جرایم ارزی علیه امنیت بیانگر آن است که اینگونه جرایم، زیرمجموعه جرایم اقتصادی قرار گرفته و همگام با ظهور تکنولوژی های نوین همانند ارزشهای دیجیتالی و بیت کوین، اصول و مقررات نظام کیفری داخلی کشورها نیز همپایه و همگام با آن تحول یافته است. به عنوان نمونه در مجموعه قوانین فرانسه، جرایم ارزی و اقتصادی تحت عنوان جرایم حوزه کسب و کار قرار گرفته سیاست کیفری فرانسه با رویکرد خاصی جرایم ارزی علیه امنیت را مورد توجه قرار داده و به هرگونه نابسامانی در این عرصه حساس است.

در نگرشی کلی، سیاست کیفری کشورمان در این زمینه با وجود برخی نقاط قوت دارای نواقص و نارساییهای متعددی است که لازم است تا مورد شناسایی و ارزیابی قرار گیرد. اما نخستین پرسش که به ذهن هر محقق در وادی بحث خطور مینماید، عبارتست از آن که، سیاست کیفری تقنینی ماهوی داخلی و ضمانت اجراهای مقرر شده در باب جرایم ارزی علیه امنیت از منظر آسیب شناسی از چه نقاط ضعفی برخوردار است؟ و چه نکات و راهبردهایی را در زمینه اصلاح و رفع این نقاط ضعف میتوان به کار بست؟ بدین

منوال در این تحقیق در پی آن برآمدهایم تا سیاست کیفری داخلی و ضمانت اجراهای مقرر شده در این عرصه را پیرامون جرایم ارزی علیه امنیت مورد واکاوی و بازنگری قرار دهیم.

گفتار اول /۲- سیاست کیفری تقنینی

سیاست کیفری به عنوان سازمان مبارزه علیه جرم، مبارزهای تحت صور گوناگون، با کاربرد وسایل مختلف و معطوف به هدفهای دقیق طراحی می کند. سیاست کیفری تقنینی یعنی تدابیر و چاره اندیشی قانونگذار راجع به جرم یا به عبارتی سلیقه انتخاب قانون گذار در خصوص جرایم و مجازاتها که قانون گذار تحت تاثیر دیدگاههای جرم شناسی، جامعه شناسی، فلسفی، ایدئولوژی و . با ارایه چارچوبهای قانونی در یک دوره مشخص، تمهید خاصی را پیش رو می دهد.

گفتار دوم- چالشهای تقنینی در مبارزه با جرایم ارزی علیه امنیت

ثبات نرخ ارز در توسعه و پیشرفتهای اقتصادی جامعه مهم و اثرگذار است. در راستای مبارزه با هرگونه نابسامانیهای موجود در بازار ارز، قانون گذار در هر سیستم حقوقی متناسب با ارزشهای اجتماعی و اخلاقی، موازین و هنجارهای خاصی را برای مبارزه با برگزیده است. در واقع مقنن با عینک یکسانی به کلیه اقدامات و روابط نگرینسته و فیلتر مشابهی را در ارتباط با تمامی آنها به کار مینماید. جرم‌انگاری فرآیندی است که طی آن، قانونگذار برخی رفتارهای مذموم را مشمول قوانین کیفری قرار داده و به عنوان جرایم قابل مجازات معرفی نماید. به عبارتی دیگر اصل بر اباحه رفتارهای آدمی است و آزادیهای فردی و اجتماعی اشخاص جامعه به پشتوانه اصل وزین برائت تحت حمایت میباشند. به منظور رعایت حقوق افراد جامعه و مصالح اجتماعی، قوای مقننه برخی از رفتارها را به عنوان جرم مورد شناسایی قرار داده است.

سیاست کیفری تقنینی به بحث پیرامون وضع و تقنین جرایم و مجازاتها میپردازد. درواقع این بخش از سیاست کیفری، نخستین گام در راستای ایجاد نظام کیفری در مبارزه با جرایم میباشد و فرایند تقنین و جرم انگاری در این نظام با تمسک به اصول و راهبردهای خاصی صورت میپذیرد. بکارگیری هر یک از این مبانی تابع ارزشهای حاکم بر جامعه و نظام کیفری میباشد که شالوده سیاست کیفری را در مبارزه با جرایم ارزی علیه امنیت پی ریزی مینماید. شناخت این اصول و موازین مبنای مناسبی را به منظور اصلاح سیاست کیفری موجود و ایجاد سیاست کیفری مطلوب در مبارزه با جرایم ارزی کلان در اختیار قرار میدهد. براین اساس در این بخش کوشش نموده‌ایم تا چالشهای تقنینی موجود در زمینه جرایم ارزی علیه امنیت را مورد بحث و تحلیل قرار دهیم.

الف- به روز نبودن قوانین و مجازاتها

بررسی ضمانت اجراهای مقرر شده در باب جرایم ارزی علیه امنیت نشان دهنده آن است که سالیان طولانی از عمر قوانین موجود گذشته و دارای قدمت بسیار درازی میباشد. به عنوان نمونه، قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ میباشد که از زمان تصویب آن مدتی طولانی سپری شده است. تفکر و رای جرم انگاری آن زمان، بر آیند نگرشی عمیق در مناسبات

اقتصادی و نیازمندیهای جامعه در زمان تقنین قانون مذکور بوده که بدون شک در طی سالهای مختلف اصلاح شده و تغییر یافته است. از سال ۱۳۶۹ معاملات اقتصادی و روند ارتکاب جرایم ارزی علیه امنیت بسیار پیچیده شده و طبیعتاً با نسخه‌های قدیمی نمیتوان به مبارزه با آن برخاست.

رشد دانش و تکنولوژیهای گوناگون، نیازمندیهای بدیعی را پدید آورده که در دوره‌های گذشته سابقه نداشته و ثمره پیشرفت دانش‌های مختلف می باشد. یکی از وجوه ممیزه مجرمان یقه سفید به عنوان قاطبه مجرمان ارزی از سایر مجرمان، بهره‌مندی از روشهای نوینی از بزهکاری و ارتکاب جرایم میباشد که پیش از آن سابقه نداشته است. پیچیدگی روشهای ارتکاب جرایم، امکان اختفا و استتار بزهکاری، تغییر نحوه بزهکاری و از ثمرات نامیمون این امر بوده که مقابله با آن را با دشواری روبه‌رو میسازد. مواجهه با این قبیل بزهکاریها نیازمند تدوین و کاربرد قوانینی پویا و سیال بوده که در طی دوره‌های همگام با تغییر اوضاع و احوال اجتماعی و ظهور تکنولوژیهای نوین تغییر و اصلاح یابد. بخش اعظمی از ضعف فعلی نهادهای ذیربط در مواجهه با جرایم ارزی به نوعی ضعف زیرساختی و فقدان ضمانت اجراهای کارآمد و روزآمد بازمیگردد که سبب شده تا مسئولان اجرایی فاقد پشتوانه و سلاح مطلوب قانونی در مواجهه با این صنف ناهنجاریها گردند. بدین ترتیب قضات در انتخاب کیفر مناسب و متناسب با محدودیت روبه‌رو

نمود مفاسد این ترتیب را به ویژه در کهنگی ضمانت اجراها و فقدان نوآوری در جرمانگاری و تعیین کیفر میتوان مشاهده نمود. مجازاتهای قدیمی، فاقد تحول، متناسب و همگام با تحولات اقتصادی و اجتماعی نبوده و قادر به رفع نیازمندیهای قضایی موجود نمیشد.

در این زمینه هم اندیشی نخبگان و صاحب نظران اقتصادی در اصلاح قوانین و رفع خلاهای قانونی پدید آمده از اهمیت فراوانی برخوردار است. با عنایت به جنبه تخصصی امر و مبتلا به بودن جرایم ارزی، لزوم تشکیل کمیسیونی تخصصی در این زمینه راهگشاست؛ کمیسیونی متشکل از نمایندگان نهادهای دخیل در موضوع، همانند بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و دارایی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و سایر نهادهای دخیل در موضوع که با هم اندیشی و نشستهای گوناگون، به اصلاح قوانین فعلی و قانون گذاری در زمینه خلاهای قانونی موجود پردازند. سیاست قانون گذاری در کشورمان براین مبنا پایه ریزی شده که تنها در زمینه وقوع بحران، مسولان به فکر چاره اندیشی میافتند؛ این در حالی است که باید پیش از وقوع حادثه عافیت اندیشی و درصدد ارایه راه حل برای حل مشکلات ساری و جاری کشور و نظام ارزی اندیشید.

ب- ناهمگونی سیاست کیفری با سایر ابعاد حقوقی و فقهی

رویکرد سیاست کیفری به جرایم ارزی کلان بدون عنایت به سایر ابعاد حقوقی و فقهی بوده و با دیدی تک بعدی مجازات‌هایی را تدارک دیده‌اند که با تعاریف فقهی و حقوقی مندرج در قوانین مغایر است. تعریف فقهی و قانونی عناوینی همچون محاربه، بیانگر بی توجهی قانونگذار نسبت به اصول شفافیت و قانونی بودن جرایم و مجازاتها در تبیین نظام کیفری درباره جرایم ارزی علیه امنیت

میباشد. این امر اعمال ضمانت اجراهای در نظر گرفته شده را با دشواری روبرو ساخته و انتقادات فراوانی را روانه سیاست کیفری میسازد.

ج- تورم قوانین

در عرصه جرایم ارزی علیه امنیت با قوانین مختلفی روبرو می‌شویم، از جمله؛ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی، قانون مجازات اسلامی، قانون پولی و بانکی، آیین نامه‌های بانک مرکزی و ... چنین شیوه قانون گذاری که به مرور زمان و در طی سالهای متممادی روی داده واجد نقاط ضعف فراوانی است. کاستی و خلاهای قانونی اولین نتیجه این تورم است که در لابلای آن، در عوض پرداختن به اصل مطلب و تبیین جامع و کامل عناصر مورد نیاز برای تحقق جرایم، گریزی به هرکدام از جرایم، آن هم به طور ناقص زده شده و فاقد وصف جامعیت برای برآورده سازی نظام مطلوب کیفری است. به عنوان مثال، می توان به ماده ۳۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم اشاره نمود که در مقرره اولی در مقام تشریح ضمانت اجرای قاچاق ارز اشاره به گروههای تروریستی و سازمانهای معاند نظام شده و در مقرره دوم تنها اشاره به گروههای تروریستی شده است. همچنین قانون مجازات اخلال گران نیز به برخی از جرایم ارزی علیه امنیت پرداخته است و بعضی دیگر در قوانین مجازات اسلامی و مبارزه با قاچاق کالا و ارز ذکر شده است. در این زمینه باید توجه داشت، تورم قوانین، اگر به معنای بیان جزئیات و تشریح دقیق جرم و مجازات باشد، امری صحیح و مطلوب است و از قانون گذار چنین ریزبینی و ظرافتی انتظار می‌رود؛ اما بیان نارسای جرایم آن هم به صورت پراکنده و در قالب یک مجموعه منسجم به ویژه پیرامون جرایمی که بسیار مبتلا به بوده و خسارات فراوانی را نیز به بار آورده‌اند، مورد انتقاد است. در واقع، منظور از تورم قوانین در این بحث، غافل شدن از جزئیات موضوع نمیشود. به منظور ایجاد انسجام در قوانین و مقررات لازم است تا قوانین یکپارچه شده و با ریزبینی و دقت، متناسب با شرایط روز جامعه در مجموعه های واحد و مرتبطی تدوین و تقنین گردند؛ اینگونه، دسترسی و اطلاع شهروندان نیز سهلتر میگردد. عدم انسجام قوانین و ضمانت اجراها ثمره نامطلوب دیگری است که تاثیر کیفیهای مقرر را به پایتترین حد ممکن میرساند. بروز چنین آشفتگی هایی برای قضات و مسولان اجرایی نیز دردسر ساز بوده و مشکلاتی را در راه استخراج و استنتاج قوانین بر سر راه ایشان قرار میدهد. رشد روزافزون جرایم ارزی امنیتی، به ویژه در سالهای اخیر، لزوم اصلاح و یکپارچه سازی قوانین مربوط را بیش از پیش خاطر نشان میسازد. این در حالی است که عزمی برای اصلاح قوانین ماهوی مشاهده نشده و به قوانین پراکنده کهنه و قدیمی اکتفا می گردد؛ امری که در درازمدت بدون شک آسیب زا است.

در این راستا، بهتر است تا مقنن با جمع آوری و یکپارچه نمودن قوانین اقتصادی که جرایم ارزی علیه امنیت نیز زیرمجموعه آنها به حساب می‌آید، اقدام به نوعی قانون گذاری منسجم و همگون در حیطه جرایم ارزی و اقتصادی نموده و به طور ویژه جرایم ارزی علیه امنیت را به عنوان زیر مجموعه جرایم اقتصادی کیفرانگاری نماییم.

بی توجهی به پیشرفتهای نوین

سیاست کیفری در باب جرایم ارزی محصول نظام تقنینی است که سالها پیش بر کشور حاکم بوده و طبعاً نیازهای خاصی متناسب با آن اوضاع و احوال را در نظر گرفته است. این در حالی است که در سالهای اخیر همگام با رشد علوم و فنون نوین، روشهای جدید ارتکاب جرایم پدید آمده که ضمانت اجراهای قدیمی قابلیت مبارزه با آن را ندارد. ظهور شبکههای ارتباطی جمعی همچون تلگرام و سایتهای اینترنتی و انواع ارزهای الکترونیکی و دیجیتالی مانند بیت کوین بر پیچیدگی این جرایم افزوده است. همگام با ظهور تکنولوژیهای نوین، ظهور روشهای جدید قاچاق ارز و تغییرات اجتماعی و اقتصادی وسیعی در سایر ابعاد اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی پدید آمده است. سیاست کیفری تغییر و تحول نیافته یارای رویارویی با اینگونه آسیبهای نوین را ندارد. جهانی شدن ارتباطات و داد و ستدهای بینالمللی مرزهای داخلی را درنوردیده و سیاست کیفری در مواجهه با آن نیاز به استراتژی فراگیر و جهان شمول دارد. بدین منوال قضات در مواجهه با اینگونه جرایم، ابزارهای مورد نیاز را در اختیار نداشته و به ناچار به قوانینی تمسک میورزند که عاری از شفافیت لازم برای انتساب جرم به متهمان بوده و سبب بروز ابهامات مختلف شده و در زمینه پدیداری عدالت ماهوی خلل وارد می سازد.

بدین روی اصلاح سیاست کیفری کشورمان با توجه به بن مایههای سنتی و قدیمی دارای محدودیت هایی است که لازم است تا در تدوین و تغییر سیاست کیفری مدنظر قرار گیرد. استخراج بیت کوین یا همان ماینینگ بیت کوین، یک فعالیت داوطلبانه است که در آن افرادی داوطلب به نام استخراج کننده، قدرت پردازش دستگاههای خود را در اختیار شبکه قرار میدهند تا امنیت شبکه، حفظ و ترکنشهای بیت کوین تایید شود. ماینینگ سه کار اصلی را انجام میدهد، اول، تایید تراکنشهای بیت کوین، دوم حفظ امنیت شبکه و سوم، تولید واحدهای جدید بیت کوین به صورت غیرمتمرکز. ناهنجاریهای برگرفته از هر یک از این مراحل، امنیت مبادلات ارزی در فضای مجازی را تهدید نموده و لازم است تا مورد جرم انگاری قرار گیرد. از این رو، لازم است تا قانونی خاص، پیرامون استفاده از ارزهای مجازی و آسیبهای ناشی از آن تعیین تکلیف نموده و باید و نبایدهایی را در ارتباط با استفاده غیرمجاز از انرژی برق برای تولید بیت کوین، دسترسی غیرمجاز به دادههای مربوط به تولید بیت کوین و مورد تقنین و جرم انگاری قرار دهد. با عنایت به مشکلات مربوط به ردیابی فرایند انتقال ارز در فضای مجازی، ضرورت تدوین چارچوب قانونی در این زمینه بیش از پیش اهمیت مییابد. بنابراین پیشنهاد میگردد، قانون مبارزه با ارتکاب جرایم ارزی در فضای مجازی مورد تقنین قرار گرفته و مشکلات مربوط به ارزهای مجازی به طور دقیق جرم انگاری قرار گیرد.

د- فقدان انسجام

سیاست کیفری در عرصه جرایم ارزی علیه امنیت فاقد انسجام لازم بوده و در اثنای بیان مجازاتهای عمومی در قوانینی همچون قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون مجازات اسلامی و برخی آیین نامههای مرتبط بانک مرکزی به بررسی این دسته از جرایم میپردازد. در هر یک از این قوانین، قانون گذار با نگرش متفاوتی اقدام به جرم انگاری جرایم ارزی علیه امنیت نموده و دیدگاه یکسانی را در این زمینه اتخاذ نموده است. به عنوان نمونه، ماده ۵۲۶ قانون مجازات

اسلامی اقدامات مرتکب را گاهی در حد محاربه و مفسد تصور نموده، اما ماده ۲ قانون مبارزه با اخلال گران در نظام اقتصادی، اقدامات مرتکب را در حالاتی خاص تنها مشمول عنوان افساد فی الارض و نه محاربه میدانند. وفق ماده ۵۲۶ اشاره شده، چنانچه بزه موضوع این ماده به قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی باشد یا با علم به مجعول بودن مورد استفاده قرار گیرد، ماده ۳۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا با علم به موثر بودن آن نظر داشتهاند و ماده دوم قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا به قصد مقابله با آن یا با علم به موثر بودن اقدام در مبارزه با نظام مزبور را ملحوظ نگاه داشته است. هریک از این مواد پیش گفته، در تحقق اخلال در نظام ارزی و جرایم ارزی علیه امنیت به معیارها و مقاصد خاصی نظر داشته و انواع این حالات را مورد جرم انگاری قرار داده اند.

در مجموعه قوانین داخلی، جرایم ارزی علیه امنیت تحت لوای واحد و یکپارچگیهای آورده نشده و در لابهلای مواد و قوانین مختلف مورد توجه واقع شده اند. فقدان یکپارچگی قوانین موجب عدم انسجام آنها شده، قضات را در تشخیص جرایم و مجازاتها و تبیین آثار و رویکردهای کیفری متناسب، با مشکلاتی روبهرو میسازد. این آشفتگی سیاست کیفری بیانگر عدم وجود مبانی و اصول واحد در جرم‌انگاری و وضع جرایم و مجازاتها میباشد. دیدگاههای متفاوت قانونگذار در قوانین گوناگون تأمینکننده نیازمندیهای سیاست کیفری مطلوب و منسجم نمی باشد. بدین روی لازم اساسی دستیابی به وحدت و یکپارچگی سیاست کیفری، کاربرد اصول و مبانی واحد در جرم‌انگاری و ذکر جرایم و مجازاتها در مجموعهای واحد با قید آثار و شرایط لازم میباشد تا اهداف بازدارندگی و سزادهی کیفر به نحو مطلوب محقق گردد. بدیهی است صرف خشونت در مجازاتها با وجود از هم گسیختگی قوانین و ابهامات موجود تأمین کننده خصیصه بازدارندگی کیفر نبوده و بالعکس بر تجری بزهکاران میافزاید. این امر هیبت قوانین را به مثابه مکتوباتی غیرقابل اجرا پایین آورده و نوعی مشوق تبهکاران برای ارتکاب جرایم میباشد. بنابراین شایسته و بایسته است تا این جرایم در مجموعهای واحد، با ذکر تمام جزئیات و با مبانی و اصول یکسان مورد جرم انگاری قرار گرفته و در ادوار زمانی متفاوت نیز، در صورت نیاز متناسب با مقتضیات روزمره به روزرسانی گردد.

ح- نقض اصول و مبانی کلی حقوق جزا

حقوق جزا را باید به عنوان مجموعه ای منسجم و فراگیر تعبیر کرد که دارای اصول و مبانی کلی میباشد که میتوان از آنها بهعنوان قواعدهنده این مجموعه یاد نمود. این اصول کلی، زیربنای حقوق کیفری محسوب شده و سایر جرایم و مجازاتها پیرامون آنها قالب می گیرند. ازجمله این مبانی میتوان به اصولی همچون اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، اصل برائت و اشاره نمود. الفاظ و تعابیر کلی و مبهم به کار رفته در قوانین همچون عمده، اخلال، قصد مقابله، نقض اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها محسوب می گردد. همچنین برخی آیین نامه‌های بانک مرکزی مانند آیین نامه شماره ۶۰/۱۰۱۶ مورخ ۹۱/۵/۷ پیرامون نحوه رسیدگی به تعهدات ارزی ناشی از واردات کالا یا آیین نامه شماره ۵۶/۱۰۱۰ مورخ ۸۶/۲/۲۶ در رابطه با نحوه تسویه تعهدنامه ارزی اخذ شده تا پایان

سال ۱۳۸۰ و که در خلال آن الزاماتی برای دارندگان ارز و صادرکنندگان و واردکنندگان در نظر گرفته شده نیز که اطلاع عامه از آن امکان پذیر نمیباشد، نقض اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها به شمار می رود. بر مبنای اصل مذکور، جرایم و مجازاتها باید توسط مراجع قانونی با جمیع شرایط و ویژگیهای لازم تعریف و تصویب گردد. به عبارتی تمام ویژگیهای مورد نیاز برای تصوف عملی به وصف مجرمانه باید سابق بر آن در اوج صراحت و شفافیت تعریف شده و مورد تأیید مراجع قانونی قرار گیرد؛ امری که در حیطه جرایم ارزی علیه امنیت رعایت نشده است و براین مبنا اعتبار و مشروعیت سیاست کیفری را زیر سؤال میبرد. و- کاربرد الفاظ مبهم و عدم صراحت و شفافیت در تقنین

صراحت و شفافیت در قانون گذاری در زمره اصول پایه ای حقوق جزا است که بر مبنای آن، قانون گذار باید در کاربرد الفاظ قانونی با دقت و ظرافت عمل نموده و نهایت وسواس را در تعریف جرایم و کیفر آنها به کار ببرد. این در حالی است که در مورد جرایم ارزی علیه امنیت این خصیصه مهم به بوته فراموشی سپرده شده و در بسیاری از موارد قانون گذار الفاظ مبهم و نارسایی را برگزیده است. به عنوان نمونه می توان به ماده یک قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی اشاره نمود. ماده یک قانون مورد اشاره مقرر میدارد، ارتکاب هریک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب میشود و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می شود:

الف- اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن. ماده دو این قانون نیز بیان میدارد، هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده یک چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد، مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد. در اینجا مقصود از عباراتی همچون اخلال، قصد مقابله و مبهم بوده و ضیق و توسعه آن مشخص نمی باشد. ماده ۳۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا بیان میدارد، در صورتی که احراز شود مرتکب جرایم قاچاق کالا و ارز با علم و عمد، عواید و سود حاصل از این جرایم را مستقیم یا غیرمستقیم برای تامین مالی تروریسم و اقدام علیه امنیت و تقویت گروههای معاند با نظام اختصاص داده یا هزینه کردهاند، افزون بر مجازاتهای مقرر در این قانون، حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم میگردد. در این ماده نیز کاربرد عباراتی همچون، اقدام علیه امنیت، تقویت گروههای معاند با نظام نیز مبهم بوده و موجبات برداشت و تفاسیر سلیقهای را فراهم مینماید. بدین سان پیشنهاد میگردد، با نسخ صریح قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی، قانون مبارزه با اخلال گران در نظام ارزی تصویب شده و ضمن ذکر حداکثری قیود و شرایط مورد نیاز برای تحقق جرایم، الفظ و عبارات قانون در کمال شفافیت و صراحت بیان گردیده و همانند قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، در ماده یک قانون، الفاظ مبهم و جزئیات آن به صراحت تبیین گردد. همچنین، میتوان این وظیفه را برای شورای نظارت ارزی در نظر گرفت که با رصد قوانین، در صورت نیاز وفق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری، با مکانیسم مشخص شده در این ماده، از طریق دادستان کل کشور، متقاضی

صدور رای وحدت ۱۶ رویه شوند. بازنگری آرا وحدت رویه صادره بیانگر آن است که، طی سالهای اخیر با وجود شیوع جرایم ارزی علیه امنیت و ابهامات فراوان موجود در متن قوانین و به ویژه ۱۷ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی، رای وحدت رویه ای در زمینه رفع این تعارضات اصدار نیافته و شایسته است در این زمینه اقدامات مقتضی صورت بگیرد.

ه- بی توجهی به اسناد و کنوانسیونهای بین المللی

در سالهای اخیر اسناد و کنوانسیونهای مختلفی همچون کنوانسیون ۱۹ مبارزه با تامین مالی تروریسم مصوب ۱۹۹۰، کنوانسیون مریدا مبنی بر مبارزه با فساد مالی و پیرامون لزوم شفافیت در موضوعات اقتصادی و ارزی و سایر موضوعات مرتبط با این قبیل جرایم در مجامع مختلف تنظیم و تصویب گردیده، اما سیاست کفیری به این موضوعات بی توجه بوده و با عنایت به جنبه امنیتی اینگونه جرایم، تلاش شده تا از مداخله هرگونه نهاد خارجی و بین المللی مصون بماند. همسویی با استانداردهای بین المللی، نوعی مشروعیت به قوانین داخلی بخشیده و با پیوستن به نرمهای بین المللی زمینه مشارکت جهانی در مبارزه با جرایم ارزی را تحقق میبخشد. در این میان منافع و مصالح عالیله داخلی را نیز نباید از یاد برد و در واقع باید از افراط و تفریط در این حوزه دوری جست، خردمندانه و مدبرانه رفتار و حرکت نمود. در بسیاری از کنوانسیونها، برای پذیرش و الحاق به کنوانسیون قابل به پذیرش مشروط کنوانسیون مذکور شده و بدین وسیله نوعی حق شرط و امکان مذاکره برای پیوستن کشورها به کنوانسیونهای بین المللی پدید آمده که می توان از این پتانسیل بهره کافی و وافی را برد.

ی- ضعف نظارت و قوانین حاکم بر صرافی ها

صرافی ها نقش حائز اهمیتی را در مبادلات ارزی و اقتصادی ایفا مینمایند و تبادلات ارزی با محوریت این واحدها صورت میپذیرد. در واقع صرافیها به عنوان عمدهترین پل ارتباطی و دریچه اقتصادی به جهان خارج معرفی شده و قاطبه عملیات ارزی از طرف آنها صورت میگیرد. در این ارتباط، در کیفرخواست صادره برای ۵ نفر از متهمان ارزی مطروحه در شعبه سوم دادگاه ویژه مبارزه با مفاسد و اخلال گران ارزی اشاره شده است که، متهمان در تحریم بانک مرکزی اقدام به توزیع ارز مداخله ای کردند که به علت عدم نظارت صحیح برخی صرافیها با سوءاستفاده از خالهای قانونی به عنوان پیاده نظام دشمن با منفعطلبی خود با همکاری دلالتها ضمن سندسازی و انجام معاملات صوری، ارز مداخلهای را تصاحب کردند که موجب افزایش قیمت ارز و به تبع آن کالاهای مصرفی گردید. عدم نظارت بانک مرکزی بر صرافیها، که به عنوان دو نهاد متولی عمده در امور ارزی کشور محسوب میگردند، آسیب فراوانی را برای نظام ارزی و امنیت اقتصادی کشورمان به همراه داشته است.

نتیجه گیری

اقتصاد پویا لازمه بهبود شرایط مالی، اجتماعی و فرهنگی مردم جامعه و النهایه مقسم سعادت و سعایت ایشان در آتیه میباشد. تحقق این امر تنها در سایه تأمین امنیت معاملاتی و اقتصادی میسر میباشد. بر این مبنا، قوای حاکم، مداخله خویش را در این بخش تا بالاترین سطح توسعه بخشیده و در ۹۰ راستای برقراری نظم و امنیت هیچگونه نافرمانی از قانون را برنمیتابد. مبادلات ارزی عرصهای است که در سالهای اخیر جولانگاه سوداگرانی شده که با سواستفاده از نارسایی و کاستیهای قانونی موجود در این زمینه کوشش نمودهاند بر دارایی و ثروت نامشروع خویش بیافزایند و در این راه امنیت ملی و اقتصادی نیز مورد تعرض و خدشه قرار میگیرد. مداخله قانون گذار در این حوزه، با ترسیم سیاست کیفری مطلوب و پویا سبب کاهش ناهنجاری و فساد شده و پشتوانه مستحکمی برای حراست و پاسداری از امنیت ملی و اقتصادی محسوب می گردد.

تجزیه و تحلیل سیاست کیفری پیرامون جرایم ارزی علیه امنیت بیانگر وجود نواقص و کاستیهایی است که تحقق آرمانهای مدنظر نظام کیفری را نامقدور و غیرممکن میسازد. ابهامات موجود در عرصه تقنین، کاربرست قوانین و کیفرها را با مشکلاتی روبهرو ساخته و ۹۱ اصول بنیادین حقوق جزا را به چالش می کشاند. آمار صعودی و رشد چشمگیر جرائم ارزی کلان، کارآمدی ضمانت اجرای در نظر گرفته شده را زیر سؤال میبرد. کهنگی ضمانت اجرای مقرر و ناهمگونی با سایر ۹۲ تعاریف مقرر در حقوق جزا از دیگر معضلاتی است که سیاست کیفری درگیر آن بوده و اعتبار نظام کیفری را در عرصه جرایم ارزی و اقتصادی به تنزل کشانده است. این قبیل چالشها به همراه کاستیهای دیگری که در این تحقیق مورد اشاره قرار گرفت، ضرورت اصلاح سیاست کیفری را بیش از پیش عیان می سازد. همگام با تحولات اقتصادی اخیر، زمینهای ارتکاب برخی سوءاستفادههای مالی و ارزی فراهم شده است. با عنایت به تأثیر مستقیم مرادوات ارزی و مالی با امنیت اقتصادی و ملی، مداخله نظام کیفری در این حوزه چشمگیرتر و حائز اهمیت بیشتری میباشد. از این رو لازم است تا اصلاح سیاست کیفری و تبیین نظام عدالت کیفری منسجم و یکپارچه مدنظر مسئولین و نهادهای ذیربط قرار گیرد.

در تجزیه و تحلیل سیاست کیفری شکلی و ماهوی کشورمان پیرامون جرایم ارزی علیه امنیت، راهبردهای موثر در زمینه رفع اینگونه نواقص را میتوان به این ترتیب مورد توجه قرار داد؛

ز- اصلاح قوانین و مقررات

ک- افزایش نظارت و گزارش جرایم ارزی در سازمانهای دولتی و اجرایی

چ- منع بانک مرکزی از اقدامات و تصمیمات خودسرانه در بازار ارز

ص- اصلاح مقررات مربوط به شرکتهای و نظارت بر شرکتهای صوری و کاغذی

ض- تشکیل بورس ارز

رفع ابهامات موجود در زمینه جرایم ارزی

ایدئولوژی مشخص در رابطه با تدوین قوانین و جرایم ارزی به صورت منسجم و یکپارچه واقع گرایي و قانون مندی در رسیدگی به جرایم ارزی علیه امنیت و پرهیز از عوام گرایي و پوپولیسم منابع

خوشبخت، آمنه و اخباری، محمد؛ بررسی فرآیند اثرگذاری تغییرات نرخ ارز بر تورم شاخصهای قیمت، مصرف کننده و واردات در ایران، پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۱، شماره ۴، پیاپی ۲۷، ص ۵۱-۸۲

دلماش، مارتی، ۱۳۸۱، نظامهای بزرگ سیاست جنایی، ترجمه نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، انتشارات میزان

حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت مجاهد، مهدی، گونه شناسی جرایم ارزی به مثابه جرم علیه امنیت اقتصادی کشور، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره سی و سوم، زمستان، ۱۳۹۵، صص ۳۱-۵

عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، چاپ ۱۲، نشر نی، تهران، ۱۳۸۳

نورزاد، مجتبی، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹

انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، انتشارات سخن، ۱۳۸۶

قادر، محمد، زارع مهدوی، سهرابی، آسایشناسی سیاست های تقنینی جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با قاچاق کالا: فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دهم، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۹۶، صفحات ۹۸-۷۵

میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۹۰، حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی)، چاپ ۱۰۷ دهم، تهران، نشر میزان. زمان زاده، حمید، مدیریت نرخ ارز در اقتصاد ایران، فصلنامه تازههای اقتصاد، سال هشتم، شماره ۱۳۰، ۱۳۸۹، صص ۴۱-۴۸

کریمی موغاری، ز، راسخی، س، بهررفتار، م، تاثیر نرخ ارز واقعی بر اشتغال ایران، ۱۳۹۰

مرادی برلیان، مهدی، گزارش پژوهشی مفهوم لایحه قضایی و آثار حقوقی آن، تهران، پژوهشکده حقوق عمومی و بین الملل پژوهشگاه قوه قضاییه، ۱۳۹۴

محبی، جلیل، ریاضت، زینب، مبانی و مدل کیفرگذاری تعزیری، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره سی و سوم، ۱۳۹۵، صص ۶۲-۳۳

اتاق بازرگانی صنایع و معادن و کشاورزی، گزارش منتشر شده از سوی اتاق بازرگانی صنایع و معادن و کشاورزی، ۱۳۹۴

<http://imed.ir/Default.aspx>

www.epe.ir

arzdigital.com

www.mehrnews.ir

Jerry Brito, Andrea Castillo, Bitcoin: A primer for policymakers, Mercatus Center, George Mason University. Archived from the original on 21 September 2013